



## طرح تفصیلی: کلیات تحقیق

### گفتار اول: بیان مسأله

واقعه عاشورا و شهادت مظلومانه سالار شهیدان و یاران آن حضرت، تأثیر شگرفی در جان‌های شیعیان بلکه آزادمردان جهان داشته است. یکی از برجسته‌ترین تأثیرهای این واقعه، ایجاد روحیه شهادت‌طلبی بزرگمردان انقلاب اسلامی به ویژه در صحنه جنگ تحمیلی بود. محبت سالار شهیدان و سوز و گداز در رثای مظلومیت آن امام غریب، چنان پویا و مؤثر است که ذکر نام او دل‌ها را متوجه خود ساخته و اشک‌ها را جاری می‌سازد و این حرارت و محبت جز با تصرف تکوینی ولایت آن حضرت در جان‌ها صورت نمی‌گیرد. «عَنْ ابْنِ سَنَانَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: نَظَرَ النَّبِيُّ (ص) إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) وَهُوَ مُقْبِلٌ، فَأَجْلَسَهُ فِي حِجْرِهِ وَقَالَ: إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (ع) حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا!».

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۹. ترجمه: امام صادق (ع) فرمودند: روزی رسول اکرم (ص) به امام حسین (ع) در حالی که مقابل او بود توجه فرموده و او را به دامن گرفتند و سپس فرمودند: شهادت امام حسین (ع) حرارتی در قلوب مؤمنین ایجاد می‌کند که این حرارت هرگز به سردی نمی‌گراید.



برای شهادت امام حسین (علیه السلام) نوعی حرارت و محبت پنهانی در قلب‌های مؤمنین است که هرگز به سردی نمی‌گراید.

چه بسیارند کسانی که از طریق کشتی نجات حسین بن علی (علیهما السلام) به ساحل نجات رسیدند. جوانانی که با شرکت در عزاداری‌ها و گریه در رثای آن حضرت، راه صواب را پیموده و به سر منزل مقصود رسیدند. گذشته از برکات شخصی و معنوی که از ارتباط با آن وجود سراسر برکت برای جان‌های عاشق حاصل می‌شود، برگزاری عزاداری عمومی و برپایی دسته‌جات عزاداری به شکل نمادین که بیانگر حزن عمومی و غصه‌ای جانسوز است، جامعه را با فرهنگ شهادت و راه حسینی آشنا می‌سازد. رحمت خدا را نازل نموده و جوانان - که قشر مؤثر هر جامعه به شمار می‌روند- را با این گونه اجتماعات مبارک آشنا می‌سازد.

از چنین اجتماعاتی حرکات انقلابی و ضد استبدادی و ضد استعماری سامان گرفته است. عشق به شهادت که متأثر از واقعه عاشورا است، ضامن پیروزی انقلاب و شیعیان در عرصه‌های مختلف و مایه ذلت و خواری دشمنان اسلام شده است و این معنا بر کسی پوشیده نیست.

شعائر حسینی همچون سایر شعائر دینی، تأثیر شگرفی در زنده نگه داشتن روحیه دینی و حفظ امنیت اسلامی متدینین، به خصوص شیعیان؛ و یأس و ناامنی دشمنان اسلام داشته است. اهل بیت عصمت و طهارت با زبان‌های گوناگون و رفتارهای عملی خود، به تکریم و تعظیم مجالس سوگواری آن حضرت پرداختند. تعابیر امام زمان (عج) در زیارت ناحیه مقدسه چنان سوگمندانه است که تصور می‌شود، امام عصر (عج) جز گریه کردن و عزاداری نمودن برای جدّ مظلوم خود، کار دیگری در عالم ندارد. ائمه معصومین (ع) حجت‌های خدا بر روی زمین بوده و تمامی سخنان، رفتارها، حرکات و حتی سکوت آنان برای همگان حجت است. لذا - هر چند فقط شیعیان این ادعا را پذیرفته و در احکام فقهی و اخلاقی و عقائدی به کار بستند - معلوم می‌شود این رفتارها، ثمرات فراوان شخصی و اجتماعی و اجر و ثواب مضاعف اخروی دارد.

شیاطین جنّی و انسی به طور مداوم در کمین‌اند تا بتوانند انسان‌ها را از مسیر دین خدا منحرف سازند. اعمال و کارهای غلط را در نظر انسان‌ها زینت می‌دهند، تا نفس انسان به آن‌ها متمایل گشته و به انجام آن‌ها ترغیب شوند. شیاطین بزرگ دنیا و حاکمان جور و دشمنان انسان و اسلام، بیکار نمی‌نشینند و چه بسا از طریق همین شعائر دینی نقشه شوم خود را عملی نمایند. البته این بیان به آن



معنا نیست که برخی از شعائر دینی از القائنات شیطان است - چون تردیدی در شعائر بودن آموزه‌هایی که از طریق اهل بیت عصمت و طهارت به شعائر بودن آنها توصیه شده است، وجود ندارد. - بلکه به این معنا است که مراقب باشیم در انجام برخی از امور که به نام شعائر موسوم است، (اعم از شعائر دینی یا شعائر حسینی) از مسیر و چارچوب اسلام خارج نشویم.

برخی از شعائر حسینی و بعضی از انواع عزاداری‌های نوظهور مانند قمه‌زنی، از مسیر حقیقی خود خارج شده و به جای آن که تبلیغی آشکار و محکم برای دین حنیف اسلام و مکتب حق جعفری به شمار آید و دشمنان را مأیوس سازد، تأثیری معکوس داشته است. لذا مناسب است که بدون در نظر گرفتن هرگونه انگیزه‌های شخصی و حمایت‌ها یا تکذیب‌های دشمنان، برخی از شعائر حسینی یا اموری که به این نام موسومند - خصوصاً قمه‌زنی و شبیه‌خوانی - مورد کاوش فقهی قرار گیرد و حکم شرعی آن از منابع و ادله مربوطه استخراج گردد، تا در عین حال که به بهترین شکل برای سالار شهیدان عزاداری می‌شود، چهره فقهی و وجه شرعی آن نیز مشخص گردد.

مسئله قمه‌زنی بیش از سایر علائم مربوط به عزاداری، محل بحث و اختلاف میان فقهای امامیه است. گروهی آن را کاری بیهوده و موجب وهن شیعه و یا اضرار به نفس دانسته و به حرمت آن فتوی داده‌اند؛ اما گروهی دیگر که اکثریت را تشکیل می‌دهند، این عمل را نه موجب وهن شیعه می‌دانند و نه از مصادیق اضرار به نفس، لذا به اباحه و حتی استحباب آن حکم نمودند.

نوشتار حاضر تحقیقی است که به دور از نگاه‌های احساسی، تلاش کرده است تا شعائر حسینی را از نگاه قواعد فقهی و دیدگاه فقها مورد بررسی قرار دهد. در بخش مربوط به طرح تفصیلی (بخش فعلی)، به کلیات تحقیق مانند؛ پیشینه تحقیق، اهداف و ضرورت‌ها، سؤال‌های اصلی و فرعی و ... پرداخته می‌شود. در فصل اول، اصل گریستن و حدود آن در متون اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم، مسئله قمه‌زنی - که عمده‌ترین دغدغه تحقیق حاضر است - با دقتی خاص و نگاهی به ادله طرفین مورد کاوش فقهی قرار می‌گیرد. در فصل سوم، بحث شبیه‌خوانی - که پس از قمه‌زنی، دغدغه عمده در این تحقیق است - با توجه به منابع دینی و متون فقهی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل چهارم، حکم اولیه و ثانویه لبس سواد (پوشیدن لباس مشکی) مورد دقت فقهی قرار گرفت. چنان که در ادامه برخی از عزاداری‌های نوظهور، مانند اشکال مختلف عزاداری و موسیقی‌های گوناگون در عزاداری‌ها مورد دقت فقهی قرار خواهد گرفت. در نهایت



تحت عنوان «نتیجه گیری نهایی» مروری کوتاه بر تمامی مباحث متن انجام خواهد گرفت و ضمن اشاره به کاستی‌های تحقیق، چند پیشنهاد ارائه خواهد شد.

### گفتار دوم: پیشینه بحث

باتوجه به موضوع رساله که عبارت است از «شعائر حسینی در آئینه فقه»؛ در این رساله قرار است اموری که به نام شعائر حسینی موسوم است، به شیوه فقهی مورد تفحص و دقت قرار گیرد، البته با تأکید بر موضوع قمه‌زنی و تعزیه خوانی (شبییه‌خوانی). آن‌چه که این تحقیق به دنبال آن است، بررسی امور یادشده از طریق داده‌های فقهی و استظهار از منابع فقهی مانند آیات و روایات می‌باشد، نه آن‌که به صرف ارائه پرسش و پاسخ و بیان فتاوی فقها اکتفا نماید، چنان‌که برخی از آثار موجود در این باره صرفاً به همین امر اختصاص یافته است.

باید اذعان نمود جامع‌ترین اثری که در این باره وجود دارد، که تا حدودی به همه امور مهم عزاداری پرداخته است و به ویژه موضوع قمه‌زنی را به شیوه فقهی بررسی کرده است، کتاب «الشعائر الحسینیة فی المیزان الفقهی» اثر مرحوم عبدالحسین عاملی از علمای نجف اشرف است. وی سعی کرده است با توجه به قواعد فقهی و روایات متعدد از قمه‌زنی دفاع کند، که البته به طریق اولی از سایر شعائر مانند لطمه‌زدن به خود و مانند آن دفاع می‌کند. این کتاب درحقیقت نقد کتاب «التنزیه» اثر مرحوم علامه سید محسن امین است که کارهایی مانند قمه‌زنی را به شدت مورد حمله فقهی قرار داده است.

این اثر علاوه بر آن‌که به زبان عربی و با شیوه‌ای کاملاً فقهی و به صورت آکنده از اصطلاحات فقهاتی نگاشته شده، - به طوری که حتی برای عرب‌زبان‌ها نیز چندان قابل استفاده نیست - حدود ۴۰ یا ۵۰ سال قبل نوشته شده و در نتیجه برخی از عزاداری‌های نوظهور به ویژه شبیه‌خوانی را چندان مورد توجه قرار نداده است. کتاب دیگری نیز در همین زمینه از نویسندگان مذکور تحت عنوان «نصرة المظلوم» منتشر شده است. همچنین دو کتاب «المآثم الحسینیة؛ مشروعیت و اسرار» اثر شرف‌الدین موسوی و کتاب «مراسم عاشورا؛ شبهات و ردود» نوشته سید جعفر مرتضی، در همین زمینه منتشر شده است.



کتاب دیگری که در موضوع گریه و زیارت امام حسین (علیه السلام) و همچنین درباره قمه زنی نگاشته شده و با تمام قوا از آن دفاع کرده است، کتاب «ردّ الهجوم عن شعائر الإمام الحسين المظلوم» اثر «محمد جمیل حمود العاملی» از علمای صاحب نام نجف اشرف است. این کتاب که اخیراً در نجف اشرف به چاپ رسیده است، پس از بیان ادله گوناگون در مشروعیت و رجحان گریستن بر سالار شهیدان و میزان آن، در ادامه به ادله مشروعیت قمه زنی پرداخته و سپس به بسیاری از شبهات طرح شده درباره آن پاسخ داده است، ولی به سایر شعائر حسینی مانند تعزیه خوانی و مانند آن اشاره‌ای نکرده است.

اثر دیگری که اخیراً در نجف به چاپ رسیده است، کتاب «لماذا التطبير» نوشته «الشیخ عبدالعظیم المهتدی البحرانی» است، که به طور کامل بحث خود را به موضوع قمه زنی اختصاص داده است. نویسنده در این کتاب تمامی ادله قائلین به جواز قمه زنی و مانعین از قمه زنی را مورد بررسی قرار داده است و البته از جواز قمه زنی بلکه از استحباب آن دفاع کرده است.

نوشته دیگری که تقریباً جامع تمامی شعائر حسینی است، کتاب «دلیل الهدی فی فقه العزاء» اثر آیت الله شیخ علی اکبر سیفی مازندرانی است. این کتاب علی‌رغم آن که تا حدودی به تمامی شیوه‌های عزاداری اشاره کرده است، اما بسیار مختصر سخن گفته است و اساساً به ادله قائلین به جواز و مانعین اشاره نکرده و تحلیلی انجام نداده است. گویا نویسنده به لحاظ ادله اجتهادی و حکم اولیه با جواز موافق است، ولی به جهت آنکه درباره عدم جواز قمه زنی حکم حکومتی وجود دارد آن را نمی‌پذیرد.

درباره پوشیدن لباس سیاه در ماتم حسینی و سایر ایام عزای اهل بیت (علیهم السلام) نیز، چند رساله نگاشته شده است. از جمله مرحوم میرزا جواد تبریزی در «الأنوار الإلهیه» بحث مستقلی - هر چند کوتاه - در این باره انجام داده است.

کتاب «عزاداری‌های نوظهور» نوشته علی اکبر مسائلی، علاوه بر آن که فقط از طریق تحلیل ماهیت شعائر و شعائر حسینی این موضوع را پی گرفته است و به همین جهت ادله طرفین را بررسی نکرده است، به دلیل عدم آشنایی نویسنده‌اش با قواعد فقهی و طریقه استنباط از منابع فقهی، نتوانسته است مطالب خود را استحکام ببخشد، چنان که هر آنچه را که عرف از شعائر قلمداد کند، آن را کاملاً تأیید می‌کند.



در شماره ۴۸ و ۴۹ مجله فقه اهل البیت نیز مقالاتی درباره موضوع جزع، حدّ جزع، لطمه زنی، صیحه و فریاد زدن در ماتم حسینی به چاپ رسیده است. همچنین کتاب دیگری درباره موضوع قمه زنی به نام «قمه زنی آبروداری یا آبروریزی شیعیان» از آقای محمود یزدانی به زبان فارسی به چاپ رسیده است. این کتاب اگرچه در ابتدای آن به برخی دیدگاه‌های فقها اعم از موافق و مخالف اشاره کرده است؛ اما هیچ تحلیل فقهی و روایی نکرده است و در ادامه نیز با بحثی تحت عنوان «چگونه یار امام حسین باشیم» یا «با تمسخر چه کنیم» از هرگونه بحث فقهی پرهیز کرده است. کتاب دیگر در این زمینه کتاب «دست پنهان» اثر مجموعه‌ای از نویسندگان است، صرفاً جمع‌آوری فتاوی فقها و تصاویر مربوط به قمه زنی است و هیچ‌گونه تحلیل و استدلال فقهی در آن به کار نرفته است.

درباره تعزیه خوانی باید گفت؛ علی‌رغم آن که کتاب‌های فارسی متعددی وجود دارد، اما تمامی آن‌ها یا به وجهه تاریخی آن در ایران و غیر ایران توجه کرده است و یا این که کتاب شعری است که اشعار و مراثی خاص هر نقش را به شکل منظوم بیان کرده است. مثلاً کتاب «پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی» نوشته عنایت‌الله شهیدی که کتابی بسیار حجیم است ولی تنها به بُعد تاریخی نمایش در ایران و تاریخ تعزیه خوانی در ایران و انواع تعزیه و لباس‌ها و مانند آن‌ها پرداخته است.

تحقیق حاضر تلاش کرده است تا شاعران حسینی را به شیوه فقهی بررسی نموده و با قلمی روان و بیانی ساده و قابل استفاده به جامعه علمی و عزاداران و دوستان اهل بیت (علیهم السلام) تقدیم نماید. هر چند تأکید این تحقیق بر روی دو موضوع قمه زنی و تعزیه خوانی است، اما در ابتدای تحقیق و اثنای آن به موضوعات دیگری مانند گریه و زیارت امام حسین (ع) و شبهاتی مانند پوشیدن لباس سیاه نیز پرداخته است. همچنین تلاش کرده است در عین این که از شیوه فقهی خارج نشود، با زبان ساده و قابل فهم آن را پیاده کند. تصور نگارنده این سطور این است که تحقیق حاضر می‌تواند قواعدی را ارائه کند، تا بتوان انواع مختلف عزاداری را نیز مورد ارزیابی قرار داد.



## گفتار سوم: تبیین واژگان

موضوع رساله عبارت است از «شعائر حسینی در آئینه فقه»، بنابراین مفهوم واژه‌های «شعائر حسینی» و «آئینه فقه» باید روشن شود. مراد از فقه روشن است و آن عبارت است از: مجموعه‌ای از قواعد و قوالب معین که ما را در استظهار حکم چیزی، از منابع خاص آن یاری می‌رساند. شیوه فقهی همان شیوه متعارف استظهار احکام کلی از منابع اصیل فقهی مانند کتاب و سنت است.

اما شعائر جمع شعیره به معنای علامت ظاهری است، چنان که به لباس رو «شعار» اطلاق می‌شود در مقابل لباس زیر که «دثار» گفته می‌شود. بنابراین مراد از شعائر عبارت است از: هر فعل، گفتار یا پوشش و... که به شکل علنی دلالت بر چیزی داشته باشد.<sup>۲</sup> و شعائرالله به اموری اطلاق می‌شود که علامت طاعت و دین خداست و انسان را به یاد خدا و دین او یا معاد می‌اندازد. همچنین شعائر حسینی، رفتارهای آشکار فردی یا گروهی است که یادآور رشادت، شهادت، مظلومیت، ایثار و ایمان شگرف سالار شهیدان و یاران والامقام او در کربلا است؛ مانند این که گروهی به شکل منظم همگی در شرائط مکانی و زمانی خاص (مثل مجالس ماتم) بر سر و سینه خود بزنند و حالتی حزن آلود به خود بگیرند.

این که ماهیت دقیق شعائر چیست و آیا می‌توان از پیش خود هر چیزی را به عنوان شعائرالله یا شعائر حسینی قلمداد نموده و بدان عمل نمود، مطلب دقیق تری است که توضیحات مفصل تری را طلب می‌کند. لذا در تحقیق حاضر در ضمن یکی از ادله جواز، به این مطلب به شکل تفصیلی پرداخته می‌شود. باید تأکید شود که در این تحقیق مراد ما از شعائر حسینی، آن دسته از رفتارهایی است که کم و بیش شیعیان امروز دنیا آن را انجام می‌دهند. حال یا اعمالی است که از چندین سال بلکه چند صد سال اخیر در مراسم ماتم و برای سوگواری امام حسین (ع) انجام می‌دادند و یا از مجعولات چندساله اخیر است، خواه حقیقتاً از مصادیق شعائر حسینی بوده باشند یا نباشند. موضوع تحقیق حاضر همین رفتارهای فردی یا گروهی است تا به دقت مورد کاوش فقهی قرار گیرد.

همچنین مراد ما بررسی این موضوعات در آئینه فقه است، یعنی در صدد هستیم تا حکم آن‌ها را در فقه و به لحاظ فقهی مشخص سازیم، نه این که بخواهیم به شیوه جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی و

۲. خلیل بن احمد الفراهیدی، العین، ص ۹۲۲.